

تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی

گفت‌وگو با دکتر عباس منوچهری، دکتر حمید احمدی و دکتر محسن بهشتی سرشت

• تهیه و تنظیم: جعفر گلشن روغنی



دکتر حمید احمدی



دکتر محسن بهشتی سرشت



دکتر عباس منوچهری

بسیاری از صاحب‌نظران حوزه تاریخ، بر این عقیده‌اند که هنوز زمان تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی نرسیده است. این گروه معتقدند که تاریخ‌نگاری زمانی ممکن است که چندی بر وقایع گذشته باشد و بتوان اسناد و مدارکی را جمع‌آوری و منتشر کرد که حساسیت‌برانگیز برای مردم و نیز افراد شاخص آن دوره تاریخی نباشد. کتاب ماه تاریخ و جغرافیه در مورد امکان، زمینه‌ها و شرایط تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، با آقایان دکتر عباس منوچهری، استاد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، دکتر حمید احمدی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و دکتر محسن بهشتی سرشت، استاد تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، گفت‌وگویی ترتیب داد که شرح آن، در ادامه، به نظر خوانندگان می‌رسد.

دیگری هم هستند که مانند انقلابات، ماهیت بین‌رشته‌ای دارند و به همین علت است که اکنون بحث‌های جدی در مورد راه‌اندازی رشته‌های بین‌رشته‌ای در دانشگاه‌ها و در میان اساتید رشته‌های مختلف، در جریان است ولی هنوز جای خود را نیافته است. یکی از این رشته‌ها، جامعه‌شناسی تاریخی است که جای آن در کشور ما خالی است. به عنوان مثال می‌توان از کتاب اخیر جان فورن، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، نام برد که در حوزه جامعه‌شناسی تاریخی قرار می‌گیرد. بنابراین، به نظر من نقطه شروع در این بحث، می‌تواند این مسأله باشد که آیا آنچه ما برای شناخت و تبیین انقلاب به کار می‌بریم کافی و وافی است؟

کتاب ماه: با توجه به تاریخ‌نگاری‌های مدرن چگونه؟
دکتر منوچهری: اگر جامعه‌شناسی تاریخی را نوعی تاریخ‌نگاری بدانیم، که البته در این باره هنوز بحث است.
کتاب ماه: یا حوزه‌های معرفتی دیگر که علوم میان‌رشته‌ای ایجاد کرده‌اند.

کتاب ماه: هدف اصلی این نشست، تبادل نظر در مورد مباحث نظری و زمینه‌های تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی است تا راهنما و راه‌گشایی باشد برای پژوهشگران این دوره تاریخی. آیا اصولاً تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی ممکن است یا هنوز باید سال‌ها صبر کرد تا فضا تغییر کند، بسیاری از حساسیت‌ها فروکش کند و اسناد بیشتری منتشر شود و ماده خام بیشتری به دست متخصصین برسد؟

دکتر عباس منوچهری: تا آن‌جا که به حوزه‌های معرفتی مختلف مرتبط می‌شود، پدیده انقلاب، یا انقلابات اجتماعی، پدیده‌ای نیست که محدود به یک حوزه معین دانشگاهی و معرفتی از جمله تاریخ باشد. انقلاب پدیده‌ای است که، از یک سو، مرتبط با بسیاری از حوزه‌های دانش بشری از جمله جامعه‌شناسی و علوم سیاسی است و از سوی دیگر، در هیچ کدام از این حوزه‌ها به‌تنهایی قابل بررسی نیست. بنابراین، پدیده‌ای است که به صورت بین‌رشته‌ای یا بین‌معرفتی باید بررسی شود و اگر در هر کدام از این حوزه‌ها، مستقل و جدا از حوزه‌های دیگر، در حال بررسی است، نادرست است. پدیده‌های



در تاریخ اجتماعی موضوع، تاریخ اجتماع و مردم و در واقع تاریخ مردم، یعنی تاریخ قاعده به جای تاریخ رأس است. اما در جامعه‌شناسی تاریخی، تاریخ به تنهایی مد نظر نیست، بلکه جامعه‌شناسی تاریخی است که اهمیت دارد، یعنی تلفیقی بین جامعه‌شناسی و تاریخ

می‌کند که با قدرت و رابطه قدرت و جامعه، مربوط باشد.

دکتر احمدی: من فکر می‌کنم منظور شما از این سؤال این است که حادثه‌ای به نام انقلاب اسلامی اتفاق افتاده است، آیا می‌شود درباره‌اش نوشت یا نه؟ حالا چه در بعد اقتصادی، چه در بعد مذهب و چه در بعد شخصیت‌ها و نخبگان. آیا امروز، می‌توان در مورد آنها نوشت، مواد نگارش آماده است یا نه. در این جا دو نکته وجود دارد: اولاً این که منظور ما از تاریخ انقلاب چیست؟ آیا منظور نقطه پیروزی انقلاب است یا دو سه دهه پیش از آن که نقطه شروع انقلاب است و دیگر این که اصلاً نگاه به تاریخ برای تاریخ‌نگاری، صرفاً محدود به گذشته می‌شود است یا مسأله امکان این عمل در زمان حال است.

یکی از مسائل تاریخ‌نگاری، جمع‌آوری داده‌ها است و نمی‌توان آن را با قید زمان مشخص کرد. در عین حال که در زمان حال قرار داریم، به نوعی می‌توان تاریخ‌نگاری کرد. یعنی اکنون، وظیفه داریم داده‌ها را فراهم کنیم. در این مرحله، جمع‌آوری داده‌ها و اسناد و اطلاعات (تهیه ماده خام) اهمیت دارد، چه منظور ما بررسی اقتصادی باشد، چه روان‌شناسی اجتماعی، چه جامعه‌شناسی تاریخی و چه تاریخ صرف. جامعه‌شناسی تاریخی اعتراضی بود به ساختارگرایی. جامعه‌شناسی صرفی که، تحت سلطه ساختارگرایی فرانسه و پل آوارس و آنتوسر و... بود. گروهی از اندیشمندان عقیده داشتند که تاریخ نیز باید در این امر وارد شود و بحث نظری، به تنهایی، پاسخ‌گوی نیازها نخواهد بود. تاریخ، از نظر آنان، سه معنا داشت: یکی به معنی داده، یعنی تاریخ سنتی بود، یعنی حرف نباید منتالیستی و بر اساس ذهنیات و بحث‌های نظری کلان باشد. داده باید فراهم باشد و تحلیل بر اساس داده‌ها صورت گیرد. مانند پژوهش‌های چارلز تیلی در مورد خشونت. تیلی از دگرایی‌های خیابانی، داده‌های روزمره تهیه می‌کرد. مفهوم دیگر تاریخ، از نظر این گروه، agency (کارگزار) بود. چرا که در نظر ساختارگرایان، نیروهای اجتماعی نقشی نداشتند و تنها اقتصاد و شیوه تولید و مسائل مربوط به اقتصاد اهمیت داشت. ولی جامعه‌شناسان نقش دولت را کارگزاری تعریف کردند. معنی سوم تاریخ از دیدگاه جامعه‌شناسان، زمان و مکان بود، یعنی موارد مختلف را نمی‌توان ذهنی و بدون در نظر گرفتن زمان و مکان، بررسی کرد.

دکتر منوچهری: الگوهای نظری و معرفتی کسانی مثل فورن و آبراهامیان، که در حوزه جامعه‌شناسی تاریخی کار می‌کنند، به تنهایی نه در حوزه جامعه‌شناسی و نه در حوزه تاریخ‌نگاری، نمی‌گنجد. من در ارتباط با خود سؤال، فکر کردم که ذکر این نکته لازم است که فقط به تاریخ‌نگاری، به معنای یک حوزه معرفتی شناخته‌شده، نمی‌توان بسنده کرد.

کتاب ماه: آیا در این مورد، نگرش مکتب آنال، که موضوع میان‌رشته‌ای بودن و پیوند تاریخ و علوم اجتماعی را مطرح می‌کند، مورد نظر شما بود؟

دکتر منوچهری: بله ولی یک تفاوت جدی هم وجود دارد، آنال تاریخ اجتماعی است؛ مکتب آنال مکتبی است در حوزه تاریخ اجتماعی که با جامعه‌شناسی تاریخی تفاوت دارد. آنال تاریخ اجتماعی شناخته‌شده‌ای است که، در دل آن، مسائل اقتصادی و سیاسی نیز مطالعه می‌شود. بحث آنال این بود که عموماً تاریخ تاریخ است و موضوع تاریخ عمدتاً به موضوعاتی که در حوزه قدرت سیاسی و تحولات سیاسی و این قلمرو است، محدود می‌شود. در تاریخ اجتماعی موضوع، تاریخ اجتماع و مردم و در واقع تاریخ مردم، یعنی تاریخ قاعده به جای تاریخ رأس است. اما در جامعه‌شناسی تاریخی، تاریخ به تنهایی مد نظر نیست، بلکه جامعه‌شناسی تاریخی است که اهمیت دارد، یعنی تلفیقی بین جامعه‌شناسی و تاریخ. در جامعه‌شناسی تاریخی، تغییر اجتماعی و زندگی اجتماعی موضوع مطالعه است. در حالی که در تاریخ اجتماعی، تغییر موضوع مطالعه نیست. مثلاً در تاریخ اجتماعی، تجربه مردم و آنچه را که برای مردم در فرایند انقلاب اتفاق افتاده است، می‌توان دید، ولی خود انقلاب و خود تغییر موضوع نیست. در حالی که مسأله و موضوع جامعه‌شناسی تاریخی، به عنوان یک حوزه معرفتی، تغییر است، تغییر چیست و چگونه اتفاق می‌افتد؟

کتاب ماه: چه تفاوت‌هایی بین جامعه‌شناسی تاریخی و جامعه‌شناسی سیاسی وجود دارد؟

دکتر منوچهری: جامعه‌شناسی سیاسی، در واقع، روابط قدرت در جامعه را بررسی می‌کند و موضوعش رابطه دولت و جامعه است؛ اما در جامعه‌شناسی تاریخی، خود تغییر، بعد تغییر، شکل تغییر و ابعاد تغییر اکنون توجه است. جامعه‌شناسی سیاسی، هنگامی به انقلاب توجه



جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ اما تا مباحث تاریخ‌نگاری و مباحث نظری و معرفت‌شناسی این موضوع، خوب روشن نشوند و اذهان نسبت به آن آگاه نباشد، جمع‌آوری داده‌ها هم مشکل می‌شود

کمک کنند؟

دکتر احمدی: در مورد علم جمع‌آوری داده‌ها و پژوهش‌های میدانی، تقریباً توافق نسبی وجود دارد، باید در مورد یک حادثه مشخص، اطلاعات جمع شود. مثلاً در مورد شخصیت‌ها، حوادث و نهادها و خیلی مسائل که عادت داریم، ذهنی در مورد آنها بحث کنیم. مثلاً در مورد دکتر علی شریعتی، ما چهار دید از سوی ایرانی‌ها داریم: جریان محافظه‌کار سلطنت‌طلب عقیده دارد او جریان اسلام سیاسی و حکومت اسلامی را به راه انداخت؛ جریان چپ او را متهم می‌کند که مسئول تمام حرکات ارتجاعی و پایمال شدن حرکات مترقی است؛ نیروهای سنتی مذهبی او را عامل بدبختی اسلام می‌دانند و روشنفکران مذهبی، که رفقای سابق اویند، او را عامل ایدئولوژیک کردن انقلاب می‌دانند. ببینید همه ذهنی است. ولی این علی شریعتی که بود؟ اصلاً زندگی‌اش معلوم هست؟ برای این که بتوانیم نقش شریعتی را مشخص کنیم باید او را بشناسیم و اطلاعات و داده‌های ریز زندگی‌اش را جمع‌آوری کنیم. اطلاعات و داده‌ها ربطی به دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف ندارد. تقریباً مشخص است. کتاب ماه: این می‌شود نگاه توماس کارلایل که قهرمانان یا بزرگان تاریخ را می‌سازند.

دکتر احمدی: می‌توانید نقش اقتصاد را بررسی کنید، اصلاً ساختارها را بررسی کنید.

کتاب ماه: فرض کنید برای بررسی مبانی اقتصادی، بالفرض به اسناد وزارت اقتصاد و دارایی قبل از انقلاب، توجه می‌کنیم در حالی که شاید برای خیلی‌ها اهمیت نداشته باشد و مفید فایده نباشد.

دکتر احمدی: همه چیز مهم است.

کتاب ماه: بر اساس چه ذهنیتی همه چیز مهم است؟

دکتر احمدی: بر اساس یک ذهنیت فراگیر.

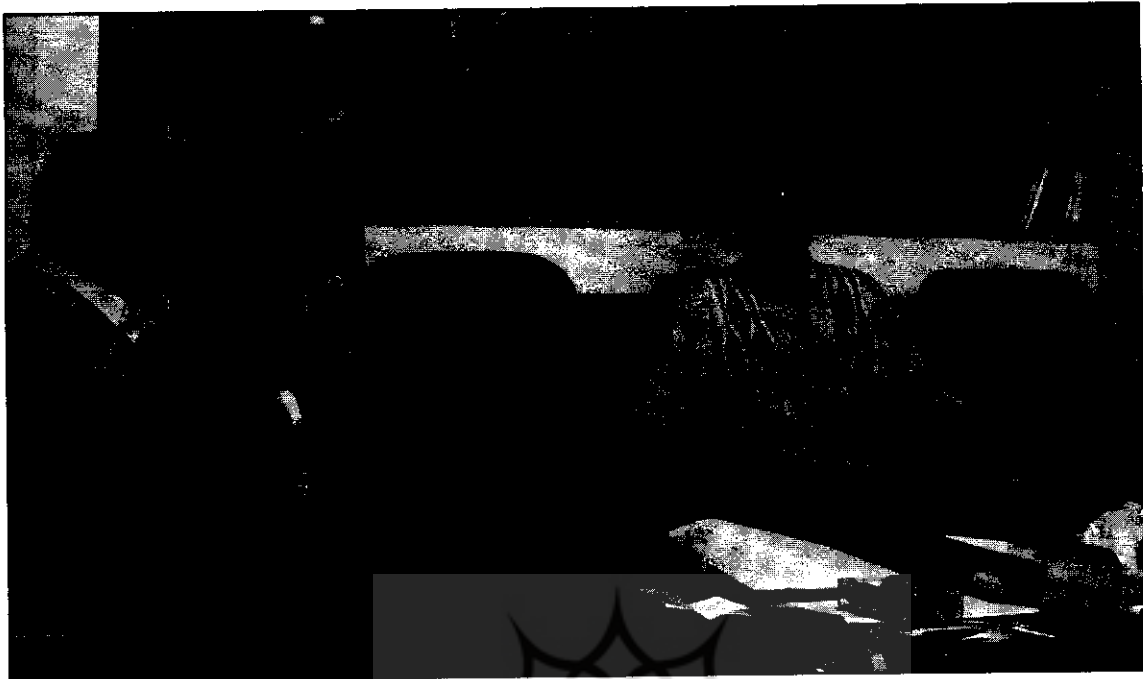
کتاب ماه: آیا می‌شود آیت‌ها را مشخص کرد؟

دکتر احمدی: بله، در همه ابعاد باید آیت‌ها را مشخص کرد. بحث جامعه‌شناسی تاریخی این است. یعنی تعامل ساختار و کارگزار.

در مورد هر مسأله‌ای و اظهار نظری، حتی مارکسیسم که می‌گوید در زمان رضاشاه تغییر در شیوه تولید پدید آمد، باید تحقیق کرد و ساختار اقتصادی ایران در دوره مشروطه، کارخانه‌ها، نوع تولیدات،

اما در پاسخ به این سؤال که آیا زمان تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی رسیده است یا نه؟ همان‌طور که می‌دانید علمای تاریخ معمولاً معتقدند تا ۵۰ سال از حادثه‌ای نگذرند، نمی‌توان در مورد آن سخن گفت. این نظر تا حدی درست است و شاید در برخی ابعاد نتوانیم امروز سخن بگوییم. به نظر من، در وهله اول، کار ما باید جمع‌آوری داده‌ها باشد. چون این داده‌ها همه موارد را اعم از آمارهای اقتصادی، نقش نیروهای اجتماعی، احزاب مختلف، نقش نخبگان، حوادث و درگیری‌های خیابانی و... را مشخص می‌کند. متأسفانه، ما ایرانی‌ها، بدون فراهم آوردن اسناد و داده‌ها، به سرعت نظریه‌پردازی می‌کنیم. خوشبختانه، در یکی - دو دهه اخیر، به جمع‌آوری داده‌های بیشتر توجه شده است. اسنادی منتشر شده است، تاریخ شفاهی مد نظر قرار گرفته است و خاطراتی جمع‌آوری شده است. البته در تحلیل انقلاب، گاه تعجیل هم شده است. ده‌ها کتاب در داخل و خارج نوشته‌اند و درباره انقلاب، بسیاری انتزاعی و ذهنی، تئوری داده‌اند. ولی هنوز کتابی بنیادی که تئوریک هم باشد، و پر از داده و fact نداریم، شاید هنوز زود باشد. شاید وظیفه ما، امروز، تنها جمع‌آوری داده باشد. هنوز بسیاری نقاط کور در تاریخ معاصر هست. حادثه‌های رخ داده، اما چرا این حادثه رخ داده؟ نمی‌دانیم. من بارها مثال زده‌ام چرا امام خمینی در کشف‌الاسرار شاه را نصیحت می‌کرد و خواستار اصلاحات بود و شاه را مصلح می‌خواست و بعد، نظریه ولایت فقیه تئوریزه شد، بحث‌های انقلاب مطرح شد، تحت چه شرایطی؟ کسی نمی‌داند. یعنی نمی‌دانیم چه عوامل و نیروهایی موجب این تغییر شد؟ متأسفانه مشکل امروز ما در ایران این است که فقط نظریه‌پردازی می‌کنیم. به نظر من نباید عجله کرد، حداقل در مورد دوره معاصر؛ گرچه این به معنی سکون و ایستایی نیست؛ در بعضی موارد اطلاعات و داده‌ها به اندازه کافی هست و می‌توان اظهار کرد و در بعضی موارد هم نیست.

کتاب ماه: این درست است که جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ اما تا مباحث تاریخ‌نگاری و مباحث نظری و معرفت‌شناسی این موضوع، خوب روشن نشوند و اذهان نسبت به آن آگاه نباشد، برای جمع‌آوری داده‌ها هم مشکل پیدا می‌شود. هرکسی با یک دید به جمع‌آوری داده‌ها می‌پردازد. آیا مباحث نظری و مکاتب تاریخ‌نگاری، نمی‌توانند در چگونگی جمع‌آوری داده‌ها به ما



اساسين جامعه‌شناسي تاريخي اين است كه نمي توان با نظريه‌هاي صرفاً انتزاعي و تعميم‌هاي نظري پديده‌هاي اجتماعي و انساني را شناخت

همراه خودمان داريم. بحث جامعه‌شناسي تاريخي اين است كه اگر نظريه‌هاي سازمان‌يافته و داراي استحكام داشته باشيم و با داده هم مواجه بشويم، نه به اين معنا كه داده‌ها را در اين قالب‌ها بريزيم، اما با در اختيار داشتن دستگاه‌هاي نظري و رجوع به پديده و ارتباط برقرار كردن بين اين دو، مي‌توانيم پديده را بشناسيم.

دكتور احمدي: دنبال تبين هستيم، توصيف تاريخ نيست بلكه مي‌خواهيم بر اساس داده تبين كنيم؛ اما نه تبين ذهني، بِنابراين داده‌ها خيلي مهم است. همين است كه اسكاچ پل مي‌گويد انقلاب ايران يك چيز ديگر است، متأسفانه، مورخين دچار اين انحراف علوم اجتماعي شده‌اند، به آثاري كه نوشته مي‌شود نگاه كنيد؛ به جاي اينكه بر اساس داده، يعني همان وظيفه سنتي تاريخ‌نگاري، بنويسند، نظريه دادند و حرف‌هايي زدند كه مابه‌ازا ندارد.

دكتور منوچهری: همه چيز را غالب بر داده‌ها مي‌كنيم.

دكتور احمدي: مثال ديگري بزنم، نگاه ما به تاريخ قبل از انقلاب هم فاجعه است، چون با ايدئولوژي هم آميخته مي‌شود. در مورد خيلي از حوادث حرف‌هاي بي‌پايه گفته مي‌شود، به‌خصوص كه نگرش چپ راديكال هم حاكم شده است. مثلاً مسئول بحران چهار برابر شدن قيمت نفت را آمريكا مي‌دانيم. مسئول مسائل آمريكا و خليج

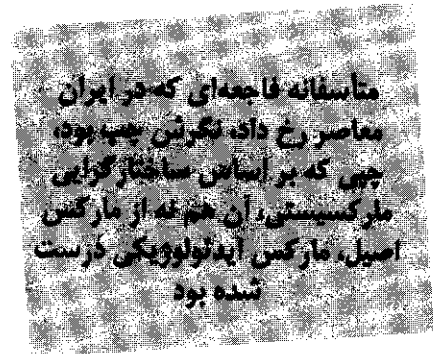
طبقات، كارمندان، كارگران و همه مسائل ديگر را بررسي كرد؛ چه چيزهايي كم شد و چه چيزهايي اضافه؟ اين قدر داده به‌دست بيايد تا بتوان گفت واقعاً شيوه توليد تغيير كرده است يا نه؟

كتاب ماه: آيا مي‌شود گزينه‌ها را مشخص كرد، چون واقعاً محدوده وسيع است و نگاه‌ها متفاوت. برخي عقیده دارند كه بايد در مباحث انقلاب اسلامي نگاهي روانشناسانه هم، به كساني كه در انقلاب بودند و به مردم داشت. آيتم‌ها بسيار فراوان و گسترده است، آيا مي‌توان همه را جمع‌آوري كرد؟

دكتور منوچهری: جامعه‌شناسي تاريخي به يك معنا، به مباحث نظري هم توجه دارد، حال اين كه بعضي مورخين عقیده دارند كه اين مسأله فقط به حوزه تاريخ مربوط مي‌شود و نه جامعه‌شناسي، بحث ديگري است؛ ولي اهميت جمع‌آوري داده‌ها به اين معني نيست كه مباحث نظري را كاملاً رها كنيم. مورخ، خود، داده‌ها را جمع‌آوري مي‌كند، يكي از مباحث جامعه‌شناسي تاريخي اين است كه هيچ كدام از اين دو (مورخ و جامعه‌شناس) بدون ديگري نمي‌تواند اين كار را انجام بدهد.

كتاب ماه: لازم و ملزوم همديگرند.

دكتور منوچهری: تمام اصل و مبنای جامعه‌شناسي تاريخي ضرورت تلفيق اين دو است. حالا اين كه تلفيق اين دو ممكن است، به چه ميزان ممكن است، مشكلاتش چيست؟ مطلوب هست يا نه؟ بحث‌هاي خاص خود را دارد. اما اساس جامعه‌شناسي تاريخي اين است كه نمي‌توان با نظريه‌هاي صرفاً انتزاعي و تعميم‌هاي نظري پديده‌هاي اجتماعي و انساني را شناخت. اما از آن طرف ما هيچگاه سراغ داده‌ها، خالي از ذهن، نمي‌توانيم برويم. بِنابراين، زماني كه با داده‌ها مواجه مي‌شويم، ناخودآگاه يا ناآشكار، نظر هم به



فارس را نیکسون می‌دانیم و همه چیز را توطئه می‌پنداریم. می‌دانید که در مورد امنیت خلیج فارس، همه حتی استادان می‌گویند، بریتانیا می‌خواست از ایران برود، بعد آمریکایی‌ها آمدند دکتربین نیکسون را عوض کردند، بر اساس آن دکتربین، شاه ایران را انتخاب کردند، شاه هم گفت ما امنیت برقرار می‌کنیم، همه این را باور دارند. ولی واقعیت این است که در (ژانویه ۱۹۶۸)، هارولد ویلسون اعلام می‌کند، ما از خلیج فارس خارج خواهیم شد، دو روز بعد دولت ایران اطلاعاتی صادر می‌کند و می‌گوید امنیت خلیج فارس به عهده مردم منطقه است. یک و نیم سال بعد دکتربین نیکسون می‌آید. هیچکس این را نمی‌داند، یعنی اصلاً زحمت تحقیق به خودشان نمی‌دهند، نیکسون یک سال و نیم بعد اعلام کرد. یا مثلاً در مورد پیمان سعدآباد، همه می‌گویند پیمان سعدآباد را انگلیسی‌ها درست کردند. دانشجویی در این مورد تحقیق کرد و به اسناد وزارت خارجه رجوع کرد، و به این نتیجه رسید که پیمان سعدآباد اولین ابتکار همگرایی منطقه‌ای در جهان بوده است. در سال ۱۹۷۳م، این اروپایی‌های متمدن دمکرات، همه چاقو به روی هم می‌کشیدند. به خون هم تشنه بودند. دولت ایران واسطه شد، کشور ترکیه و افغانستان را به میان کشید؛ بعد هم مصر و سعودی می‌خواستند به آن ببینند و دو بلوک جهانی، یعنی متحدین و متفقین، هر دو می‌خواستند این پیمان را به سمت خودشان بکشند. پدیده عجیب و غریبی است ولی همه می‌گویم انگلیس، انگلیس هم دشمن این پیمان بود. انگلیس آن را تحریک شوروی می‌دانست و شوروی تحریک انگلیس؛ در حالی که یک حرکت مستقل منطقه‌ای بود. به هر حال ما داده جمع نمی‌کنیم. در مورد این مسائل، مثال فراوان است و متأسفانه فاجعه‌ای که در ایران معاصر رخ داده، نگرش چپ بود، چپ‌ها که بر اساس ساختار گولبی مارکسیستی، آن هم نه از مارکس اصل، مارکس ایدئولوژیکی درست کرده بودند. تمام تاریخ ما را با حرف‌ها و گزاره‌های کلان، روایت‌های کلان، بردند، ولی یک نفر زحمت به خود نداد که تاریخ را بخواند، چی رخ داد؟ کی بود؟ این نوشته‌ها در ذهن روشنفکران مذهبی رفت، در ذهن استادها هم رفت، هنوز هم دارد تکرار می‌شود. الآن زمانی است که باید یک عده یا نهادها را مأمور کنیم که در مورد حوادث اطلاعات جمع‌آوری کنند، فقط سند منتشر کنند.

کتاب ماه: جامعه‌شناسی تاریخی راه‌حلی برای جمع‌آوری داده‌ها دارد، و این موضوع را تبیین کرده است؟
دکتر منوچهری: جامعه‌شناسی تاریخی خود را درگیر این موضوع نمی‌کند، از این داده‌ها استفاده می‌کند. مورخ باید خود داده‌ها را روشن و مشخص در اختیار کسی که پرسش دارد قرار بدهد. ولی این که حالا این داده‌ها در مجموع بیانگر چه چیزی هستند، با توجه به آن چارچوب‌های نظری و ارتباط این‌ها قابل پیگیری است.
کتاب ماه: آیا داده‌هایی که مورخ جمع می‌کند، به کار جامعه‌شناسی تاریخی حتماً می‌خورد؟

دکتر منوچهری: بدون آن جامعه‌شناسی تاریخی نمی‌تواند کار کند.

کتاب ماه: آیا نگاه مورخ در جمع‌آوری داده‌ها، واقعاً به درد کسی که در جامعه‌شناسی تاریخی کار می‌کند، می‌خورد، چون نگاه تاریخی‌ها یا مورخین خیلی خاص است و به یک سلسله پدیده‌ها توجه می‌کنند که عملکرد مورد توجه علمای جامعه‌شناسی است.

دکتر احمدی: اصلاً جمع‌آوری داده تنها کار مورخ نیست. افراد و نهادهای مختلف می‌روند اطلاعات را جمع می‌کنند. سنجش افکار. یعنی تنها مورخ نیست که داده‌ها را جمع‌آوری می‌کند. داده‌ها را خیلی‌ها جمع‌آوری می‌کنند. و برای همین است که امروزه در غرب نهادهای عمده‌ای هستند که فقط کارشان جمع‌آوری سند است.

کتاب ماه: جمع‌کنندگان داده‌ها باید چه خصوصیات داشته باشند؟ دکتر منوچهری فرمودند مورخ، مورخ باید چه خصوصیات و آگاهی برای جمع‌آوری داده‌ها داشته باشد؟ آیا روان‌شناسی را بداند، جامعه‌شناسی را بداند، به همین ترتیب مردم‌شناسی و اقتصاد را؟ یا خیر باید به هر کدام از علوم نگاهی گذرا داشته باشد و موقع جمع‌آوری داده‌ها به آنها توجه بکند؟

دکتر احمدی: نه لزومی ندارد. جامعه ما جامعه اتمی است، تخصص مهم است. من که نمی‌توانم علامه دهر همه چیز باشم. من بخش قدرت را جمع‌آوری می‌کنم، دیگری بخش روان‌شناسی را جمع می‌کند.

کتاب ماه: پس تنها مورخ موظف به جمع‌آوری داده‌ها نیست. دکتر احمدی: بله همین‌طور است. لازم نیست که مورخ همه چیز را جمع کند، باید داده باشد تا مورخ آنها را هم تحلیل کند. یعنی هر کسی به وظیفه خودش عمل کند.

کتاب ماه: خب علمای اهل جامعه‌شناسی هم وظیفه‌ای دارند و آن هم وظیفه داده‌هایی که مربوط به کارشان است.

دکتر منوچهری: جامعه‌شناسی تاریخی با وساطت مورخ با داده سر و کار دارد. مورخ است که اول با داده مواجه می‌شود. کار مورخ که فقط جمع‌آوری داده نیست.

کتاب ماه: آیا جامعه‌شناسی تاریخی، مورخ را تعریف نکرده است که مورخ چه کسی است؟

دکتر احمدی: جامعه‌شناسی تاریخی معرفت است، وظیفه کسی



**تاریخ به هر اندازه که بتواند باید کارش را
بسیستماتیک‌تر و در واقع با عمق بیشتر و بهتر
و استحکام نظری در حوزه تاریخ که بحث بیان
پدیده‌های تاریخی هست، انجام دهد. موضوع
جامعه‌شناسی تاریخی موضوع تاریخ نیست، که
بگوییم جای مورخ بنشینند**

را مشخص نمی‌کند.

کتاب ماه: جامعه‌شناسی تاریخی باید مورخ را تعریف کرده باشد که منظور از مورخ چه کسی است.

دکتر منوچهری: این بحث‌ها جزو مجادلات درون معرفتی جامعه‌شناسی تاریخی است که بین اصحاب جامعه‌شناسی تاریخی هم اختلاف نظر است، در نوع رابطه و حتی نوع چارچوب نظری. یک عده‌ای همچنان روی قواعد عام و نظریه‌های جهان‌شمول اصرار دارند و یک عده‌ای تفسیری‌اند و یک عده‌ای تعلیلی. اما در مجموع لااقل آن‌جوری که من می‌فهمم جامعه‌شناسی تاریخی خود را نیازمند کار مورخ می‌داند و بدون آن امکان کار برایش فراهم نیست. تاریخ به هر اندازه که بتواند باید کارش را سیستماتیک‌تر و در واقع با عمق بیشتر و بهتر و استحکام نظری در حوزه تاریخ که بحث بیان پدیده‌های تاریخی هست، انجام دهد. موضوع جامعه‌شناسی تاریخی موضوع تاریخ نیست، که بگوییم جای مورخ بنشینند. اگر بحث صرف جمع‌آوری داده بود، حوزه جامعه‌شناسی تاریخی هم این کار را انجام می‌داد. بحث این است که با کار نظری مورخ (که شناخت پدیده‌ها و توضیح آنهاست)، منتها جامعه‌شناسی تاریخی می‌تواند مسائل را توضیح بدهد.

کتاب ماه: غیر از حوزه معرفتی جامعه‌شناسی تاریخی، اگر بخواهیم به پدیده انقلاب و به طور خاص به انقلاب اسلامی در زمینه تاریخ‌نگاری توجه کنیم، از چه حوزه‌های معرفتی دیگر می‌شود بدان توجه کرد.

دکتر منوچهری: رسم بر این بود که عموماً یک حوزه‌های معینی به مقوله یا پدیده انقلاب می‌پرداختند. در واقع ما شاید بتوانیم بگوییم در کل حوزه علوم اجتماعی و علوم انسانی حتی هنر، به نحوی به پدیده انقلاب پرداختند. کارهای هنری می‌تواند در سینما، نقاشی و عکاسی و غیره باشد. در فلسفه، اما هر کدام به شکل خاص خود.

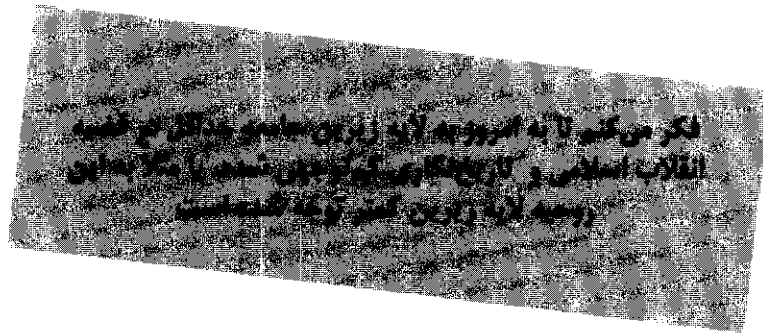
هانسا آرنث به نحوی نظریه سیاسی تفسیری در مورد انقلاب دارد. می‌گوید انقلاب را می‌خواهی بدانی بنابراین باید بروی سراغ بازیگران اصلی. بنابراین باید بروی سراغ سران اصلی. برای همین انقلاب آمریکا و فرانسه را بر اساس اندیشه و نظر و در چشم‌انداز و تفکر رهبران این دو انقلاب بررسی می‌کند و می‌گوید اتفاقاً این

که سرنوشت این دو انقلاب با هم متفاوت بود، یعنی در فرانسه سیر تحولات سیاسی اجتماعی با آمریکا متفاوت بود، به خاطر این بود که اینها اصلاً انقلاب و وضعیت را متفاوت می‌دانند. فرانسویان مسأله‌اشان برابری و فقر و عدالت و غیره بود. آمریکایی‌ها مسأله‌شان آزادی و نظام سیاسی متفاوت بود. بنابراین چون رهبرها متفاوت فکر می‌کردند، نتیجه هم متفاوت بود. این نظریه سیاسی انقلاب است. هانا آرنث نه جامعه‌شناس است نه مورخ. به یک معنا اندیشمند سیاسی است. بنابراین در حوزه‌های گوناگون باید کار کرد.

کتاب ماه: فی‌المثل تاریخ کمبریج برای معرفی دوره سلجوقیان، ابعاد مختلف این دوره را از نظر تاریخ سیاسی، ادبیات، هنر، فلسفه و مانند آن بیان می‌کند. این شاید از قبل این راه‌آورد باشد که داده‌های تاریخی جمع شده، اطلاعات به اندازه کافی مدنظر قرار گرفته و بعد آمده‌اند ابعاد مختلف را تبیین کرده‌اند. ما می‌توانیم در مورد پدیده‌های به نام انقلاب اسلامی به این مرحله برسیم و اگر بخواهیم این‌گونه نظر افکنیم آیا میسر است در قرن حاضر یا نه باید چندین قرن بگذرد و تمامی ابعاد روشن شود و بعد؟

دکتر احمدی: امروزه دانش پرانگنده است، حوزه‌ها و نگرش‌های مختلف است. درست است که می‌گوییم که داده باید مشخص بشود تا بتوان اظهار نظر کرد، اما نه به این معنی که باید صبر کرد تا همه داده‌ها در ابعاد مختلف هنر، اقتصاد، فرهنگ، اندیشه، فلسفه و ... جمع شود و سپس چیزی بنویسیم. نه هر کسی کار خودش را می‌کند، ممکن است در یک حوزه سریع‌تر داده‌ها را جمع کند. ولی اساس جمع‌آوری داده‌ها باید اسناد باشد بخصوص باید مراکزی باشند که فقط اطلاعات جمع‌آوری کند. اطلاعاتی، بیوگرافی و شرح حال، این‌ها را هزاران و میلیون ورق جمع کنند تا بعداً مورد استفاده مورخ واقع گردد در همه ابعاد مختلف یک حادثه چه هنری، فکری شخصیت، اقتصاد، نقش انواع و اقسام نیروهای اجتماعی، لازم است که داده فراهم بشود.

در پاسخ به سؤال شما به نظر من، نباید استاد ولی یک اولویت را باید در نظر گرفت، آن هم ممکن است کار ما نباشد یعنی کار حوزه علوم سیاسی یا فلان رشته. این کاری است که نهادهای خاصی انجام می‌دهند. یعنی جمع‌آوری داده فقط. باید نیروهای خاصی دنبال داده‌ها



کارها است که می‌شود انجام داد. ولی این کار ضرورتاً کار دانشگاه‌ها نیست. به هر حال چیزی نیست که نشود. شیوه‌ها و مکانیزم‌های گردآوری داده‌ها و جمع‌آوری اسناد و خواندن اسناد یک‌جور دانش است.

کتاب ماه: رشته مشخصی داریم در این زمینه در خارج از کشور خاصه در دانشگاه‌های اروپایی و غربی؟

دکتر احمدی: حتماً هست ولی در جامعه‌ای که با گستره امروز است، هر نهاد و مؤسسه یکی از کارهایش نگهداری اسناد و نامه‌هایی است که وارد یا خارج می‌شود. نگرانی این است که در این قضیه اهتمام کافی نشده باشد.

کتاب ماه: فکر می‌کنم تا به امروز به لایه زیرین جامعه حداقل در قضیه انقلاب اسلامی و تاریخ‌نگاری کم‌توجهی شده، یا مثلاً به این روحیه لایه زیرین کمتر توجه شده است. این شور و هیجان و الهامی که وجود داشت از نکاتی است که به درد هر کسی که بخواهد در مورد انقلاب اسلامی پژوهش بکند، خواهد خورد. ما این فضاهای غیرحادثه‌ای و غیرپدیده‌ای که خیلی راحت دم‌دست است را چگونه می‌توانیم جمع‌آوری اطلاعات کنیم، داده‌هایش را گرد آوریم، از چه علمی می‌توانیم کمک بگیریم به این موضوعات توجه کنیم و ما داده خام گردآوریم و در زمان مناسب بتوانیم در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی به آن توجه کنیم. گردآوری داده و تحلیل حضور و روحیه و فکر این خیل عظیم آیا کار عالم جامعه‌شناسی یا مردم‌شناسی نیست.

دکتر منوچهری: تحلیل داده‌ها بله می‌تواند در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی معرفت این کار انجام گیرد، ولی قاعدتاً آنچه که مربوط به داده‌ها می‌شود ولی بخشی از مطالعات تاریخی عمدتاً دسترسی و بررسی اسناد و داده‌ها است.

گردآوری آنها هم ضرورتاً کار مورخ نیست. بنابراین مطمئن نیستم که این کار اصلاً یک کار دانشگاهی و تحقیقی باشد (خود جمع‌آوری داده‌ها) که ما گفتیم گردآوری در هر روشی به عنوان یکی از مراحل عادی و لازم برای یک کار تحقیقاتی لازم هست، این گردآوری به این معنا نیست که برویم خود داده‌ها را پیدا و جمع‌آوری و گردآوری و محافظت بکنیم. این کار محقق یا دانشجو در یک

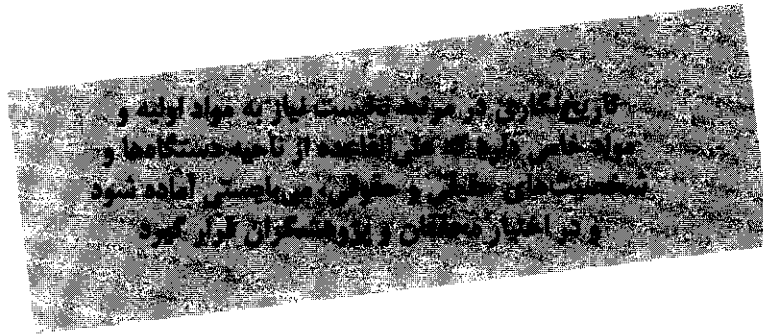
ببروند. اطلاعات جمع کنند، حوادث را، آمار و ارقام تا جایی که امکان دارد، وگرنه دیر هم اگر شود خیلی سخت است. این است که ما در مورد بعضی از مسائل نتوانیم داده‌ای جمع کنیم، این است که هم‌زمان باید نهادهای خاصی باشند که این داده‌ها (اسناد) را جمع‌آوری کنند تا بتوانند کمک به دیگران کند.

دکتر منوچهری: من هم فکر می‌کنم داشتن داده‌ها و دسترسی به داده‌ها و در کنار آن، مجهز بودن به دستگاه‌های نظری و روش‌های ضروری برای به کار گرفتن روش‌های مورد نیاز، ضروری است و آلاً کاری انجام نمی‌گیرد. یک شرط دیگر که خارج از بحث‌های معرفتی است، بحث نهادی قضیه است، به این معنا که چنین کارهایی باور و منابع می‌خواهد، یعنی باید منابع به گونه‌ای در اختیار چنین کاری باشد که انجام این کار با استلزاماتش ممکن باشد.

دکتر احمدی: متأسفانه در دوره بعد از انقلاب در جمع‌آوری داده‌ها، نهادهای مربوطه خیلی اهمال کردند. توجه کنید به نهادهای دوره‌های قبلی. از دوره قاجاریه به این طرف کلی نامه و سند جمع‌آوری شده که در حال تحلیل است. وظایف نهادها باید مشخص باشد. من فکر می‌کنم امروز، به‌خصوص در مسائل دیپلماتیک و روابط خارجی و بین‌المللی، مشکل اساسی هست. تجربه به ما نشان داده است که، به فرض، نهادهای فرهنگی خارج از کشور یا سفارت‌خانه‌های خارج از کشور، در مورد داده‌ها و نامه‌ها خوب عمل نکرده‌اند. بیشتر دنبال کارهای شخصی و رتق و فتق امور بوده‌اند. در حالی که یکی از وظایف این نهادها، مدارک و مسائل خارجی است. مثلاً ۵۰ سال آینده، اگر فردی بخواهد بداند مثلاً این انقلاب چه تأثیری در محیط اسلامی و خاورمیانه گذاشته است، چه باید بکند؟ این داده‌ها را از کجا باید به دست آورد؟

کتاب ماه: علی‌الاصول، دانشگاه جایی است که نسلی را تربیت می‌کند برای این که در فرضیه‌های مختلف داده‌ها را جمع‌آوری کنند و پژوهش‌های لازم را ارائه بدهند. آیا فرض کنید، در انقلاب اسلامی با توجه به اهمیت جمع‌آوری داده‌ها، می‌شود نسلی یا گروهی را تربیت کرد که داده‌ها را در ابعاد مختلف جمع‌آوری کنند. آیا آموزش دانی است؟

دکتر منوچهری: بله، قطعاً. از نظر آموزش، یکی از آسان‌ترین



با رفتن به محل. مهم این است که این داده‌ها چگونه سازمان‌یافته بشود که بعداً بشود آنها را استفاده کرد. این کار به عهده نهادهای خاص است. مثل کتابخانه‌های بزرگ، مراکز اسنادی مهم و تخصصی و وزارت‌خانه‌ها، باید کار به این‌ها محول شود که داده‌هایی که مدام در حال ایجاد است گم و گور نشود. فلان کتابخانه عظیمی باشد که حتماً یک یا دو نسخه از فلان کتاب، یا روزنامه و اطلاعیه داشته باشد. البته بی‌طرفانه هم این کار را بکنند، کارشان به‌صورت فنی باشد. همانند شیوه جمع‌آوری داده‌ها در علم کتابداری.

دکتر منوچهری: کار کتابداری و کتابخانه‌ها، یکی‌شان همین جمع‌آوری و حفظ اسناد و مدارک و داده‌های تاریخی است.

* * *

کتاب ماه: آیا ماده خام تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی فراهم شده و کامل و تکمیل شده است، یا خیر هنوز می‌شود برای تاریخی که در آینده تدوین خواهد شد، مواد خام جمع‌آوری گردد. آن دسته از مواد خامی را که در دسترس هستند چگونه می‌شود برای این مبحث تاریخ‌نگاری استفاده کرد؟ و درباره آن دسته که تهیه و گردآوری و جمع‌آوری نشده‌اند و به ماده تاریخی تبدیل نشده‌اند چه باید کرد و چه راه‌هایی در پیش باید گرفت تا این مواد فراهم شود تا تاریخ‌نگاری انقلاب یک شکل کامل و دقیقی به خودش بگیرد؟

دکتر بهشتی سرشت: در ارتباط با پدیده مهم و رخداد بزرگ انقلاب که الان ۲۸ سال از پیروزی آن می‌گذرد، تصور می‌کنم در حوزه تاریخ‌پژوهی و انقلاب‌پژوهی و امام‌پژوهی، هنوز مشکلات و محدودیت‌ها و موانع فراوانی هست که آن‌طور که باید در شأن و مکانت این انقلاب کار علمی و تاریخی شده باشد، صورت نگرفته است. به یک معنا تاریخ‌نگاری در مرتبه نخست نیاز به مواد اولیه و مواد خامی دارد که علی‌القاعده از ناحیه دستگاه‌ها و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، می‌بایستی آماده شود و در اختیار محققان و پژوهشگران قرار گیرد. شاید مهم‌ترین وظیفه را در این راستا، مراکز آرشیوی و مراکز اسنادی بر عهده داشته باشند. خوشبختانه می‌توانیم ادعا بکنیم که در یک مرحله این مراکز آرشیوی در کشور شکل گرفتند و مراکزی مثل موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی و مرکز اسناد انقلاب اسلامی و سازمان اسناد و کتابخانه ملی را داریم. این

کار تحقیقاتی است. بلکه داده‌هایی را که موجود هست برای تحقیق خودش جمع‌آوری کند. نه این‌که برود داده‌ها را پیدا کند.

کتاب ماه: آیا در حوزه مردم‌شناسی نمی‌گنجد؟

دکتر منوچهری: آنها هم به داده‌ها رجوع می‌کنند نه این‌که گردآوری کنند، یعنی صرفاً استفاده و تحلیل داده‌ها است.

کتاب ماه: در حقیقت بخش اعظم جمع‌آوری داده‌ها به دوش تاریخ است. کسانی که در زمینه تاریخ کار می‌کنند.

دکتر منوچهری: نه حتی به نظر من کار مورخ جمع‌آوری داده نیست.

دکتر احمدی: اتفاقاً تاریخ‌دانان خیلی داده درست نمی‌کنند بلکه از داده‌ها استفاده می‌برند. فرض کنید فلان دانشجوی جامعه‌شناسی در مورد آن. جی. او‌ها داده جمع می‌کند اما مهم این است که این داده‌ها چگونه سازمان یابند.

کتاب ماه: داده‌هایی که در حال تکوین و انجام است دیگر جای مراجعه ندارد، موقعی مورخ مراجعه می‌کند که از یک موضوع گذشته باشد و اطلاعاتش گرد آمده باشد، ولی چیزی که در حال تکوین و انجام است واقعاً جایی نیست که بخواهد بدان رجوع کند، بنابراین خودش باید به کار بپردازد. فی‌المثل موضوع کوچکی مثل نقش مساجد در انقلاب اسلامی، او باید خودش برود و دانه دانه داده‌ها را پیدا کند.

دکتر منوچهری: درست است، ولی در واقع داشتن اطلاعاتی که مربوط به آن موضوع تحقیق است با گردآوری و جمع‌آوری اسناد و مدارک متفاوت است. علاوه بر آن یک جامعه‌شناس را فرض کنید یا باید از سازمان آمار یا بانک مرکزی یا نهادهای معینی که در ارتباط با این موضوع فعالیت می‌کنند، استفاده کند والا خودش به تنهایی نمی‌تواند این کار را بکند و داده‌ها را گردآورد. داده‌ها را جامعه‌شناس چگونه به‌دست می‌آورد، مثلاً از طریق مصاحبه، نظرسنجی، نگرش‌سنجی. کار جامعه‌شناس اکتشافی است نه اینکه برود داده‌ها را جمع کند.

دکتر احمدی: داده همیشه در حال ایجاد شدن است. مورخ ممکن است داده جدیدی ایجاد کند، علوم سیاسی ممکن است با تحلیل چند روزنامه این کار را بکند، جامعه‌شناسی از طریق مصاحبه، مردم‌شناسی



صورت می‌گیرد، عموماً دچار مشکل هستند.

کتاب ماه: صرف‌نظر از این که بخش عظیمی از اسناد می‌تواند مربوط به نقش امام باشد، چه موضوعات دیگری می‌تواند در این اسناد موجود باشد که برای یک تاریخ‌نگار انقلاب اسلامی مفید گردد و برای تدوین تاریخ انقلاب ماده خوبی به حساب آید؟

دکتر بهشتی سرشست: اگر به عنوان مثال بخواهید به تاریخ انقلاب بپردازید، بخشی از این تاریخ انقلاب را چه به شخصیت‌هاست. بخشی از این تاریخ در ارتباط با گروه‌ها و سازمان‌ها و تشکل‌هایی است که بعضاً تشکل‌های مسلحانه‌ای بوده‌اند، مثل سازمان مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی، هیأت‌های مؤتلفه، حزب ملل اسلامی که از آن جریان‌ها بعضاً نیم قرن گذشته است و عمدتاً متولدین سال‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ش به بعد هستند. واقعاً انتظار می‌رفت که حداکثر در دهه دوم انقلاب، شاهد انتشار اسناد این گروه‌ها باشیم که ضرورتش هم شاید به اعتقاد من اولاً هم شناخت تاریخ این مقطع است هم اینکه ضرورت انقلاب است که جلوی بازتولید بعضی از این جریان‌ها گرفته شود. یعنی جریان‌هایی که به لحاظ مبانی انحرافی که داشتند و در یک مقطع تاریخ سیاسی ما اثرگذار بودند و بعضاً به لحاظ آن اعترافات شدید، ضایعات و هزینه‌های سنگینی هم بر این کشور بار کردند، کارهایی که در انفجار حزب جمهوری یا در انفجار نخست‌وزیری شد. این‌ها بقایای فکری و تشکیلاتی همان جریان‌های بودند که در آن مقطع تولید شده بودند. فی‌المثل در مورد حوزه سازمان مجاهدین خلق، سازمانی که رویکرد مذهبی داشته، بعضاً برخی از علمای شاخص و موجه در ابتدا، این سازمان صددرصد مورد تأییدشان بوده است. در یک مقطع ناگهسان یک رویکرد ۱۸۰ درجه‌ای متفاوتی از خودشان نشان داده و از مبانی اسلامی دور گشتند و به مارکسیسم متکی شده و رویکرد جدیدی به مارکسیسم یافتند. اصلاً خیلی از علمای ما به

مراکز وظیفه داشتند که مواد و اسناد و مدارک را به سرعت تهیه و جمع‌آوری بکنند و فکر می‌کنم در این مدت طولانی در ارتباط با جمع‌آوری و طبقه‌بندی توفیقاتی به‌دست آورده باشند. اما اشکال عمده‌ای که به نظر می‌آید و خیلی به تأخیر افتاده، این مطلب است که هنوز این اسناد آن‌طور که باید و شاید در حجم انبوه منتشر نشده است. البته شاهد انتشار اسنادی هستیم ولی به‌طور محدود. فی‌المثل مهم‌ترین سؤال در خارج و داخل کشور این است که اسناد مربوط به رهبری انقلاب کجاست؟ همه استحضار دارند که در خود ساواک، بیش از پنجاه زونکن حجیم در ارتباط با شخص امام، اسناد و مدارک جمع‌آوری شده است و تا آن‌جایی که من اطلاع دارم، شاید نزدیک به ۱۰ سال هم هست که مرتب و طبقه‌بندی شده، اما انتشارشان که می‌بایستی زودتر از این‌ها انجام می‌شد که هنوز صورت نگرفته است. هم چنین ما شاهد بودیم که ۶ جلد اسناد شهربانی (امام در اسناد شهربانی) منتشر شد که این اولین دوره از مجموعه آثاری است که در ارتباط با امام منتشر شده است. البته مشکل دیگری هم داریم و آن هم عدم هماهنگی بین مراکز اسنادی در این سال‌های طولانی است. بسیاری از کارهای موازی را هم شاهدیم که مثلاً مرکز اسناد انقلاب اسلامی یا مؤسسه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی انجام می‌دهد. اگرچه در یکی دو سال اخیر، هماهنگی‌هایی در مراکز اسنادی مشاهده کردیم اما صرفاً در جهت سمینار مشترکی بود که تحت عنوان سقوط یک و سقوط دو مطرح شد. اما تا آنجا که من اطلاع دارم به صورت ارگانیک با هم هماهنگی و تبادل اطلاعات و اسناد بکنند، آن‌طور که باید و شاید مشاهده نشده است. این را من از این جهت می‌گویم که بعضی از دانشجویان ارشد و دکتری ما که در پایان‌نامه‌های مربوط به انقلاب و امام کار می‌کنند، به جهت همین ناهماهنگی‌ها که بین مراکز اسنادی هست و بعضاً عدم همکاری که با این دانشجویان عزیز

انتظار می‌رفت که حداکثر در دهه دوم انقلاب، شاهد انتشار اسناد همه گروه‌ها باشیم که ضرورتش هم شاید به اعتقاد من اولاً هم شناخت تاریخ این مقطع است هم اینکه ضرورت انقلاب است که جلوی بازتولید بعضی از این جریان‌ها گرفته شود.

خاطر این‌ها به زندان افتادند. آقای هاشمی‌رفسنجانی سال ۱۳۵۴ در این رابطه به زندان افتاد. مرحوم آیت‌الله طالقانی، مرحوم شهید رجایی. این‌ها مثل یک جعبه سیاه در بسته‌های بعد از انقلاب مانده بود که هیچ زمینه و جای تحلیلی برای افرادی که می‌خواستند به عمق قضایا و به لایه‌های زیرین این پدیده‌ها پی ببرند وجود نداشت. به‌خصوص نسل جدیدی که با سابقه این‌ها اصلاً آشنایی نداشت. خوشبختانه در یک سال اخیر نسبتاً اسناد خوبی منتشر شد. مرکز اسناد انقلاب اسلامی در این جهت کمک کرد، عمده این اسناد و مدارک هم در این مرکز است. یا سایر تشکل‌ها، مثل حزب ملل اسلامی، که برخی از چهره‌هایش مثل آقای موسوی بجنوردی از مؤسسين حزب که در زمان تأسیس حزب ۱۸ ساله بودند، به عنوان مغز متفکر یک تشکیلات در قید حیات هستند. آقای سرحدی‌زاده، آقای دوزدوزانی و محمدجواد حتی کرمانی از اعضای این حزب بودند که هنوز هم حضور دارند. یا هفت گروه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که تقریباً در آستانه یک سال مانده به پیروزی انقلاب تشکیل شده بودند. این بخش مهمی است از تاریخ انقلاب ما که اغلب مسائل و مواردش سر بسته باقی مانده است به اضافه اسناد و مدارکی که مستقیم با امام و یاران امام و شخصیت‌هایی که اطراف امام بودند مرتبط است و هر کدام در نوع خودشان در انتشار و پراکنده کردن ایدئولوژی انقلاب و اهداف و آرمان‌های انقلاب مهم بودند. توری که در اسناد شهربانی امام می‌کردم و اسناد ساواک را قبلاً دیده بودم، احساس کردم که در این اسناد نام افراد و شخصیت‌هایی که شخصیت و رطل نیستند و امروز هم هیچ نشانی از آنها نداریم، آن روزها مثلاً در منزل امام، در حال چایی دادن بودند. در عین حال در این اسناد هست که گزارش شده از امام فلان نامه یا کتاب را گرفته و به فلان محل و فلان آدم داده است. به نوعی رابط بودند یا به نوعی گرداننده یک جلسه بسیار مهم، یا آماده‌کننده مقدمات یک جلسه سخنرانی امام بودند؛ خود بررسی و کشف این افراد و تهیه شناسنامه کوتاه برای این افراد به آن نکته‌ای که امام در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی در حکمشان به سیدحمید روحانی، مدنظر داشتند توجه می‌گردد. همیشه این‌طور بوده که تاریخ، بزرگان و پادشاهان را مورد توجه قرار می‌دادند، در واقع مردم فراموش می‌شدند. اخیراً آقای سیدحسن خمینی به این مسأله

حساس شده‌اند و پروژه‌ای را توصیه کرده‌اند که مؤسسه تنظیم و نشر دنبال بکند و یک فهرست یا رجال‌شناسی یا اعلام‌شناسی در اسناد و مدارک مربوط به امام، کلیه شخصیت‌ها و افرادی که اسمشان به نوعی در این اسناد رفته که مرتبط با امام‌اند و نه مرتبط با وسعت انقلاب اسلامی شناسایی بشوند و یک شناسنامه و بیوگرافی کوتاهی برای آنها تهیه بشود، تحت عنوان رجال‌شناسی انقلاب اسلامی ایران یا فرهنگ رجال یا فرهنگ اعلام، و این به نظر من همان منویات و آرزویی بود که خود امام داشت که واقعاً آن‌هایی که گم‌نامند، آنهایی که به نوعی گوشه‌هایی از این حرکت و رخداد بزرگ را گرفتند، همه آن‌ها به نوعی معرفی و شناسایی بشوند.

کتاب ماه: تاریخ شفاهی چه نقشی می‌تواند در تهیه و ایجاد ماده خام و تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی ایفا کند؟

دکتر بهشتی سرشست: بسیار اشاره خوبی کردید. تقریباً می‌توانم عرض کنم که دهه اول انقلاب را در این زمینه در غفلت سپری کردیم. اولین جایی که اقدام به این کار کرده است، دانشگاه هاروارد و گروه تاریخ آقای دکتر حبیب‌الله لاجوردی بوده است و انصافاً چه حرکت عظیم و مؤثری بوده است که در همان موقعیتی که در اختیارشان بود، موفق شدند با شخصیت‌های انقلابی و غیرانقلابی و ضدانقلابی که در داخل و خارج از کشور بودند، مصاحبه کنند به نظر من دستاورد خیلی خوبی را به عنوان مواد خام تحقیقی به ارمغان گذاشتند، بدون این‌که به صحت و سقم مطالب بخواهیم وارد شویم. به نظر من اصطلاح تاریخ شفاهی از آن‌جا شکل گرفت و آنها این مطلب را دنبال کردند. اگرچه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، حرکت‌های محدودی را در شماره‌های اولیه مجله‌شان (مجله یاد) انجام دادند و بحث خاطرات‌گیری و تاریخ شفاهی را دنبال می‌کردند. منتها حجم کار گروه لاجوردی و وسعت کاری که آنها داشتند، بسیار زیاد بود. در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ صحبت بر سر این بود که در حدود ۶۰۰۰ صفحه نوار مصاحبه پیاده کرده بودند، آن‌هم شخصیت‌هایی مثل شاهپور بختیار، علی امینی، شریف‌امامی که بعضی از این‌ها فوت کرده‌اند که برای خود ما دسترسی به این اطلاعات به راحتی نبود که بتوانیم خاطرات آنها را بگیریم.

کتاب ماه: خاصه شخصیت‌هایی که در جناح مقابل انقلاب

هیچ مانعی علی القاعده نداشتند در مرحله جمع آوری اطلاعات و مواد وجود داشته باشد. یعنی عاقلانه این است که هرگونه مطلب، کتاب، مواد خام و سند را که حتی به نوعی در تقابل و تضاد با بینش‌های طرفدار انقلاب باشند در مرحله جمع آوری، گردآوری کرد



اسلامی قرار داشتند.

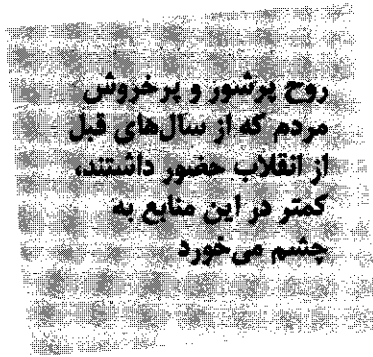
دکتر بهشتی سرشت: بله. مطلب مهمی است و غیر از این دانشگاه و این چنین گروهی، بعید بود که سایر گروه‌ها، حتی از اپوزیسیون به راحتی بتوانند این ارتباط را برقرار کنند و این خاطرات را بگیرند. خوشبختانه آن کار الگویی شد برای مؤسسات داخل کشور. در این زمینه، سه مؤسسه و سه مرکز پژوهشی در ایران این مسأله را دنبال کرده است. یکی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام است. تقریباً در ۱۲ سال اخیر، از این جهت بخش آرشیو و خاطرات مؤسسه نسبتاً خوب و غنی شده است، اگرچه کامل نیست. خود من در برخی از این تاریخ‌گیری‌ها بوده‌ام. مثلاً مصاحبه با آقای عسگرآولادی، آقای جلال‌الدین فارسی، آقای دکتر ابراهیم یزدی، با آقای عزت‌الله سبحانی، بهزاد نبوی، با آقای هاشم صباغیان، از علمای قم با آقای آذری قمی، آقای خاتم یزدی (که چندی پیش فوت کردند) و... حدود ۸۰ شخصیت را طی این مدت خاطره‌گیری کردند و قصد انتشار هم دارند. حوزه هنری که انصافاً کارهای بزرگی انجام داده است و این اواخر هم چاپ آثاری در رابطه با خود سازمان‌ها و شخصیت‌ها خاطرات آقای عزت مطهری (عزت شاهی) و فرهنگ ناموران معاصر ایران که تا به حال دو جلد چاپ شده است. مرکز اسناد انقلاب اسلامی در این زمینه خیلی سرمایه‌گذاری کرد و از نظر کمیت، هیچ‌کدام از این مؤسسات به پای آن نمی‌رسند، صرف‌نظر از این که هر کدام از این آثار به جای خودش نیاز به نقد و بررسی دارد. ضعفی که ما داریم این است نقد آثار انقلاب‌پژوهی را تا به حال شروع نکرده‌ایم و اساساً نقد و نقادی در کشور ما جایگاهی ندارد، بخصوص در تاریخ انقلاب طبیعتاً کسانی که خاطره می‌گویند یا دست به تألیف می‌زنند، ممکن است اشتباهات و خطاهایی داشته باشند. و ما سخت‌نیزمند این نقد و نقادی هستیم. و باز همین‌جا مژده بدهم، یکی از مراکز خوبی که در واقع با توصیه مرحوم حاج سیداحمدآقا ساخته شد. پژوهش‌کننده امام خمینی و انقلاب اسلامی در تهران بود که الآن در ۵ شاخه علمی در دوره کارشناسی ارشد دانشجو می‌گیرد و تربیت می‌کند و پایان‌نامه‌هایی را ارائه می‌کنند درباره انقلاب و امام در همان ۵ شاخه علمی (اندیشه سیاسی، جامعه‌شناسی انقلاب، تاریخ انقلاب اسلامی، عرفان و حقوق و فقه) و رشته‌ها همه بر اساس محور

اندیشه امام دایر شده است.

مؤسسه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی هم، کارهای اولیه‌ای در جهت تاریخ شفاهی کرده است ولی چون امکانات بسیار محدود و ضعیفی به لحاظ بودجه و پرسنل دارند نتوانستند کار را ادامه بدهند.

کتاب ماه: برای آن که بتوانیم در بخش جمع‌آوری ماده خام برای تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، از داشته‌های جناح مخالف انقلاب اسلامی بهره‌مند شویم چه باید بکنیم که تاریخ‌نگار بتواند همه نگاه‌ها را در دسترس داشته باشد بعد بتواند یک تحلیل جامع تاریخی داشته باشد، چه رویکرد و راه‌حلی می‌توانیم داشته باشیم؟

دکتر بهشتی سرشت: به اعتقاد من هیچ مانعی علی القاعده نبایستی در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و مواد وجود داشته باشد. یعنی عاقلانه این است که هرگونه مطلب، کتاب، مواد خام و سند را که حتی به نوعی در تقابل و تضاد با بینش‌های طرفدار انقلاب باشد را در مرحله جمع‌آوری، گردآوری کرد. بعد در مرحله تحقیق و پژوهش است که باید هر کس با نگاه و ایدئولوژی و چارچوب‌های ارزشی خودش بدان‌ها بپردازد. طبیعتاً اگر در چارچوب منافع و مصالح ملی باشد باز هم علی القاعده نباید منع خاصی وجود داشته باشد. ضمن این که در همه کشورها مرسوم است که هرگونه سند و مدرکشان را تا مدت‌های مدیدی ممکن است حفظ کنند. مثل مدارکی که آمریکایی‌ها به تازگی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منتشر کرده‌اند. یعنی امری است که در سایر کشورها و حتی کشورهای پیشرفته مورد توجه است که بالاخره نباید با مصالح و منافع ملی‌شان در تقابل باشد. اما در عین حال به نظر من مراکز آرشیوی می‌توانند کماهو حقه، عین واقعیت و نفس الامر



بزرگی دیده شود، بنده سراغ ندارم که جمعی، مجمعی، نهادی این موضع را مدنظر قرار داده باشد.

اما به نظر من تقویت یک سلسله از کارها که تاکنون صورت گرفته است، با عنوان تاریخ محلی یا تاریخ انقلاب در مناطق مختلف کشور، برای درک نقش نیروهای خارج از پایتخت، می‌تواند مفید باشد، خوشبختانه در ارتباط با انقلاب اسلامی این کار شروع شده است، مثل کتاب‌های انقلاب اسلامی در اصفهان، انقلاب اسلامی در تبریز، انقلاب اسلامی در خمین، انقلاب اسلامی در مرند که انتشار یافته‌اند که البته در نگاه‌های قبلی از این شهرها اصلاً اهمیتی نداشته است. بنابراین اگر بتوانیم یک مطالعه گسترده و تحقیق همه‌جانبه در مناطق مختلف ایران، در محلات مهم و شهرهای مهم داشته باشیم، به منظور شما نزدیک می‌گردیم. نهادها و هیئت‌ها و کانون‌های مذهبی و اجتماعی و سیاسی را داشته‌ایم که نکته مورد نظر شما در این لایه‌ها پیگیری می‌شود که تک‌نگاری‌هایی در این زمینه صورت می‌گیرد. ما خودمان، دانشجویها را به همین سو سوق می‌دهیم. یا مثلاً از آنها می‌خواهیم درباره نقش مسجد قبا، حسینیه ارشاد یا مسجد عزیزالله و یا مسجد حاج ابوالفتح تحقیق کنند. یا به‌طور مثال، محله نازی‌آباد تهران در دوران انقلاب که آقای محمد قوچانی هم کتابی در این باره دارند. در آن‌جا چند مسجد فعال بود. مسجد امام حسن مجتبی در جنوب (ته خط) نازی‌آباد، مسجد رسول‌الله در بازار دوم (مرکز نازی‌آباد)، مسجد سیدالشهداء در بازار اول که همان خیابان شهید رجایی است. فی‌المثل اگر کسی بخواهد درباره محله نازی‌آباد در قبل و بعد از انقلاب کار بکند، خیلی چیزها در ذهن خود من که بچه آن‌جا هستم، هست که کجا کانون‌های مبارزه بود. همین گروه فرقان که برخی ترورهای سال‌های ۱۳۵۸ و اوایل ۱۳۶۰ش را انجام دادند، یکی از کانون‌های فعالیتش در قبل از انقلاب در همین محله نازی‌آباد بود. افرادش، چهره‌هایش و خانه‌هایی که این‌ها تحت عنوان کانون و تفسیر قرآن داشتند و آن بافت طبقه زیر متوسطی که در آن‌جا زندگی می‌کردند از مسائلی است که می‌تواند مورد توجه واقع گردد.

به منظور درک آن نگاه اقتصادی و اجتماعی که می‌فرمایید باید ببینیم که مردم چه نگاه‌هایی به انقلاب داشتند؟ نسبت به سایر ایدئولوژی‌ها چگونه بودند؟ به نظر من در قالب تاریخ محلی و

اسناد و مدارک را داشته باشند و محققانی که واقعاً می‌خواهند از زاویه تحقیق مراجعه کنند، بدان‌ها رجوع نمایند خاصه در مرحله‌ای که اسناد هنوز منتشر نشده‌اند و بازتاب ندارد، اما در مرحله بعد (سیاست‌های انتشاراتی) در چارچوب قوانین عمل می‌شود.

کتاب ماه: در بخش گردآوری مواد خام اعم از اسناد تاریخ‌های شفاهی این‌طور به ذهن می‌رسد، تاکنون بیشتر درباره مسائل سیاسی و وقایع انقلاب و بخشی هم در توجه به زمینه‌ها بوده است، ولی آن روح پرشور و پرخروش مردم که از سال‌های قبل از انقلاب حضور داشتند و آستانه انقلاب رسید به حد اعلای خود رسید، کمتر در این منابع به چشم می‌خورد. فی‌المثل بارها برایم این سؤال پیش آمده است پدر من یا پدر و پدربزرگ خیلی از خانواده‌ها در دوره پهلوی (سال‌های دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش)، چگونه زندگی‌شان را سپری می‌کردند و چگونه شد که همراه با این انقلاب شدند. از منابع موجود کمتر این به‌دست می‌آید. در بخش تاریخ شفاهی هم، آن روحیه و شغل و رفتار و عقاید و فکر مردم و نگاهشان به سلطنت و حاکمیت و در مقابل نگاهشان به رهبری کمتر به چشم می‌خورد. یعنی کمتر به دنبال این فضا رفته است که این لایه پر جنب و جوش و خروش را خوب معرفی کند و از دل آنها خاطرات بیاورد که ماده خام تاریخ‌نگاری بشود تا او بعدها بتواند نقش توده مردم را به‌درستی روشن کند، در حقیقت تاریخ شفاهی امروز ایران حول و حوش فرد می‌چرخد. پس اگر به تاریخ‌نگاری مکتب آنال نظر افکنیم تاریخ را فقط وقایع سیاسی صرف نمی‌بینیم بیابیم تاریخ را با علوم اجتماعی پیوند بزنیم و این مقطع را ببینیم. چگونه منابع و اسناد اقتصادی یا منابعی که درباره مردم‌شناسی جامعه ایران طی سال‌هایی که منجر به انقلاب اسلامی گردید، می‌تواند کمک ما باشد. ما چگونه می‌توانیم ماده خام را بدین صورت برای تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، فراهم کنیم؟

دکتر بهشتی سرشت: شاید مهم‌ترین کاری که باید بشود همان است که جناب‌عالی اشاره کردید و این خلایق است که در تاریخ‌نگاری ما به ویژه در تاریخ‌نگاری انقلاب به‌چشم می‌خورد. البته ما در مورد تاریخ‌نگاری انقلاب به‌طور جدی کار را شروع نکرده‌ایم. به صورت پراکنده زیاد کار کرده‌ایم اما این‌که یک کار اصولی و چارچوب‌دار و ارزشمند سازمان‌یافته که همه این موضوع‌های مورد نظر در یک طرح

محلات می‌توانیم کلیه این موضوعات را پی‌گیری کنیم و به صورت مجموعه‌ای تمام این اطلاعات را از سراسر شهر و کشور فراهم سازیم تا بتوانیم یک نگاه دقیق به مسائل مختلف داشته باشیم.

کتاب ماه: در این جا سهم وزارت‌خانه‌ها و اسنادی که از دوره قبل برایشان بجا مانده است چقدر مؤثر است؟ به عنوان مثال اسناد اقتصاد وزارت اقتصاد و دارایی یا دیگر وزارت‌خانه‌ها چقدر می‌تواند در تهیه مواد خام نقش‌آفرین باشد؟

دکتر بهشتی سرشت: صد در صد می‌توانند نقش مهمی داشته باشند. البته وزارت‌خانه‌ها موظفند اسنادی که جنبه‌های تاریخی و تولیدی و علمی پیدا می‌کنند به سازمان اسناد ملی ایران انتقال بدهند.
کتاب ماه: آیا آنها این قدرت تشخیص را دارند که چه اسنادی را منتقل کنند؟

دکتر بهشتی سرشت: متأسفانه خیر. خود این امر کار تخصصی و تیم کارشناسی می‌طلبد، ولی می‌شود حدس زد که کار کارشناسی در این زمینه صورت نمی‌گیرد. خود این امر کار تخصصی و تیم کارشناسی می‌طلبد.

در مورد قبل از انقلاب دو کار خوب وجود دارد یکی اقتصاد سیاسی ایران تألیف آقای دکتر کاتوزیان است که از مشروطه به بعد را از همین زاویه مورد بررسی قرار داده است و عمده منابع ایشان، اسناد وزارت‌خانه‌ها و مجلس و سازمان مدیریت و روزنامه‌ها و رسانه‌ها است و دیگری کار ارزشمند خانم زهرا شجیعی، تحت عنوان نخبگان سیاسی ایران که پس از انقلاب کاری همانند آن ندیده‌ام.

کتاب ماه: اهل تاریخ امروز کمتر به مباحث نظری، خاصه فلسفه تاریخ در قالب روش برای تاریخ‌نگاری توجه کرده‌اند. به تبع آنها، تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی هم کمتر به روش‌های تاریخ‌نگاری و سبک‌ها و نحله‌هایی که در جهان امروز وجود دارد، توجه کرده است. این یکی از معضلاتی است که دامن تاریخ‌نگاری را گرفته است و تا چاره‌ای برایش اندیشیده نشود، راه فراری نیست. اصولاً در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی چقدر باید به روش‌های تاریخ‌نگاری جدید و مرسوم نظر داشته باشیم؟

دکتر بهشتی سرشت: متأسفانه ما با چنین خلأ بزرگی روبه‌رو هستیم و اصلاً این شکل کار خیلی جدید است. تنها در جامعه‌شناسی در سال‌های اخیر این بحث‌ها و درس‌ها تحت عناوین روش‌شناسی یا جامعه‌شناسی تاریخی یا فلسفه علم جا باز کرده است؛ حتی استاد مربوط به این حوزه‌ها را هم کم داریم. پس اگر بخواهد تحولی رخ بدهد باید در درجه اول در برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها اتفاق بیفتد و در این زمینه واحد درسی بگذاریم. باید یک تحول در حد کلان در مراکز آموزش عالی کشور و درس‌های مربوطه به‌خصوص در علوم انسانی و تاریخ صورت بگیرد و بعد هم در قالب این تحول، منتظر باشیم افراد کارآمد و پخته تربیت شوند و صاحب کرسی گردند.

کتاب ماه: به نظر شما آیا تاریخ‌نگاری انقلاب شدنی است، با توجه به این ماده خام که در دسترس است، اگر نیست آیا می‌شود

زمانی برای آن تعیین کرد؟ اگر این چنین نیست باید چه موجباتی فراهم بیاید تا تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی شدنی گردد؟

دکتر بهشتی سرشت: در رابطه با انقلاب اسلامی اولاً باید زمان بگذرد و برخی از پرونده‌ها باز شود و ملاحظاتی که نسبت به بعضی شخصیت‌ها است برطرف گردد. طبیعتاً هرچه زمان بگذرد از برخی جهات بهتر می‌شود سیمای آن رخداد را نشان داد، هم از باب این‌که پرونده‌ها و آرشیوها باز می‌شوند و هم این‌که بسیاری از ملاحظات و مقتضیات قبلی تغییر می‌کند و دست محقق بازر و آزادتر می‌گردد و بهتر می‌تواند بنویسد. یعنی ما در آینده شاهد تاریخ‌نگاری قوی‌تر و غنی‌تری هستیم. الان ما در حد متوسط ۵۰ تا ۶۰ درصد تاریخ‌نگاری قرار داریم. بنده اعتقاد دارم که امروزه باید تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی انجام شود و حرکت ادامه پیدا کند و طبیعی است که هرچه زمان بگذرد بهتر خواهد شد.

کتاب ماه: آیا می‌توان به همه جنبه‌های انقلاب در تاریخ‌نگاری توجه کرد یا خیر؟

دکتر بهشتی سرشت: علی‌القاعده کار مورخ این است که به تمام ابعاد بپردازد و باید در تحلیل‌هایش جنبه‌های مختلف را مد نظر داشته باشد. اما این مقداری زمان می‌برد و باید چارچوب‌های مصالح و منافع ملی را مدنظر داشت که به هم نریزد. اتفاقاً امام در حکمی که برای آقای سیدحمید روحانی صادر کرده‌اند، بر این مسائل تأکید کرده‌اند که همه نقاط ضعف و قوت گفته شود و به‌گونه‌ای نباشد که بگویند تاریخ مغرضانه یا جانب‌دارانه است. در حقیقت تاریخ مردم و همان چیزی که اتفاق افتاده است.

کتاب ماه: با توجه به این‌که می‌توان به دو گونه به تاریخ نگاه کرد از این جهت که یک نگاه از سوی پیروزشدگان در حادثه یا واقعه‌ای تاریخی و دیگر نگاه از سوی شکست‌خوردگان یا مغلوب‌شدگان در آن قضیه مورد نظر، آیا در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی نگاه از دیگر سو یعنی از جانب شکست‌خوردگان میسر است؟ و تاریخ‌نگار انقلاب باید به آنها هم توجه کند و وضعیت آنها را هم مورد بررسی قرار دهد یا خیر؟

دکتر بهشتی سرشت: البته این کار میسر و ممکن است. مثل کتاب معمای هویدا اثر آقای عباس میلانی که در این زمینه صورت گرفته و در ایران هم منتشر شده است. یا حتی پاسخ به تاریخ محمدرضا پهلوی که از جانب مغلوب‌شدگان است. البته برای تاریخ‌نگار انقلاب کاری شدنی ولی سخت است که به آن سوی واقع هم نگاه افکند.

کتاب ماه: آیا می‌توانیم نتیجه بگیریم که یک تاریخ‌نگاری منصفانه از سوی کسانی صورت می‌گیرد که نه تعلق خاطر به انقلاب و نه به جناح مغلوب و مخالف انقلاب دارند؟

دکتر بهشتی سرشت: بنده با این نظر همراه هستیم اما تأکید می‌کنم که طیف‌ها و نسل‌های جدید که در زمان انقلاب نبوده‌اند، بهتر می‌توانند این کار را صورت بدهند و آنچه را که بوده است بنویسند احساس‌م بر این است که نسل‌های جدید این کار را بهتر انجام می‌دهند.